

بررسی نقش نخبگان سیاسی در توسعه کشور با استفاده از اندیشه و

مدیریت جهادی در دهه اول انقلاب اسلامی ایران

سید اشکبوس تمند^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۷

سید حسن ملائکه^۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۹

محمدرضا اقارب پرست^۳

چکیده

مدیریت جهادی فی نفسه در ذات انقلاب اسلامی نهفته است. توسعه همه جانبه کشور برای نخبگان سیاسی انقلابی از اهمیت بسیاری برخوردار بود. مدیران و دست اندرکاران نظام نوپای اسلامی به جهت نوع انقلاب دارای انگیزه بالایی برای خدمت به کشور و مردم بودند. مدیریت جهادی به خاطر ویژگی‌هایش می‌توانست به مدد آن‌ها بیاید. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که نخبگان در تحولات و توسعه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با اتخاذ مدیریت جهادی، تأثیرگذارند و جایگاه ویژه‌ای دارند. تحقیق حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و نیز الگوی تطبیقی با استفاده‌ی حداکثری از ظرفیت‌ها و مقتضیات برای شناخت هر چه بهتر پارامترهای تأثیرگذار در موضوع و اهداف تحقیق و پژوهش بوده و با هدف تبیین و تأثیرگذاری نقش نخبگان سیاسی در مدیریت جهادی برای توسعه کشور در دهه اول پس از انقلاب اسلامی انجام یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نخبگان سیاسی، تأثیرات مثبتی در روند رشد و توسعه ایران در دهه اول انقلاب اسلامی داشته‌اند و یکی از محرک‌های اصلی در سوق دادن جامعه اسلامی ایران برای رسیدن به آرمان‌هایش می‌باشند.

کلید واژه‌ها: مدیریت، مدیریت جهادی، توسعه، انقلاب اسلامی، نخبگان سیاسی.

^۱ دانشجوی دکترا اندیشه‌های سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا: tamandehashkboos@gmail.com

^۲ استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (نویسنده مسئول): hmalaekkeh@gmail.com

^۳ استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا: aghareb@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

وقتی سخن از جهاد به میان می‌آید ذهن انسان به طور ناخودآگاه به سمت مبارزه می‌رود. این مبارزه و رویارویی گاهی در میادین نبرد اتفاق می‌افتد و یک دشمن با خصوصیات جنگی و نظامی در مقابل ما قرار دارد. در این کارزار یک راه بیشتر پیش روی ما نیست و آن دفاع تمام عیار از تمامیت ارضی کشور، نوامیس و حراست از آنچه در مالکیت ماست و به ما تعلق دارد؛ اما همین جهاد را با خصوصیاتش به حوزه مدیریت و اندیشه می‌آوریم. جهاد به عنوان یک راهبرد و استراتژی در طول تاریخ اسلام مطرح بوده است؛ ولی شکل نوین آن در قالب اندیشه و مدیریت جهادی با پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد. علمای حوزه‌های علمیه و در رأس آنان امام راحل و پس از ایشان رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، شرایطی را برای جهادی کردن مدیریت و سازندگی در سخنان خود بیان کردند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به ابعاد عظیم محرومیت و عقب ماندگی در همه زمینه‌ها اعم از اقتصادی، فرهنگی، علمی و سیاسی، تنها یک روش می‌توانست در کوتاه مدت با این همه نارسایی، دست و پنجه نرم کند؛ آن هم یک روش جهادی بود که نخبگان سیاسی را وادار می‌کرد، تا با یک احساس مسئولیت مضاعف و صرف تمام عیار وقت و از خود گذشتگی به مبارزه با فقر، محرومیت و عقب ماندگی کشور بروند. برای پی بردن به این مهم، باید تعریف دقیق و جامعی از اندیشه و مدیریت جهادی ارائه کرد؛ دریافت چگونه این اندیشه با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود، توانست نخبگان سیاسی را تحت تأثیر اعجاز انگیز خود قرار دهد. فضای نارس و تاحدودی متشنج پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت و دیدگاه‌های متفاوت و گاهی متناقض انقلابیون، باعث بروز مشکلاتی شد؛ ولی با همه این اوصاف بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نسیم تحول، امید و آبادانی کشور و ملت، وزیدن گرفت. نقش امام خمینی (ره) در این مسیر به عنوان پرچمدار انقلاب اسلامی و اندیشه‌های جهادی به وضوح به چشم می‌خورد. اکثر کسانی که در رابطه با فعالیت‌های جهادی خصوصاً در دوران دهه اول انقلاب، قلم فرسایی کرده‌اند، رهنمودهای امام را خطاب به مسئولان، نخبگان سیاسی و جوانان را مهمترین عامل تحرک جامعه اسلامی و حرکت به سوی تعالی و پیشرفت کشور با از خودگذشتگی و ایثار می‌دانند.

سعی داریم تا پاسخ مناسبی برای سؤالات تحقیق بیابیم و امیدواریم بتوانیم گامی مثبت در جهت معرفی افکار جهادی و نخبگان سیاسی برداریم.

۲. اهداف و سؤالات تحقیق

هدف کلی این تحقیق، شناسایی و بررسی خصوصیات نخبگان سیاسی و نقش آن‌ها در توسعه ایران پس از انقلاب اسلامی است. اهداف خاص این تحقیق عبارت است از:

- ۱) تعریف و تبیین شاخص‌های توسعه سیاسی؛
 - ۲) فهم و تفسیر پیوند و ارتباط بین توسعه و نخبگان سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی ایران.
- از این رو، در این تحقیق نگارنده به دنبال یافتن پاسخ مناسب برای سؤالات پژوهش حاضر است.

۱. آیا نخبگان سیاسی، مهمترین نقش را در مدیریت جهادی در فرآیند رشد و توسعه متوازن جوامع خود ایفا کرده‌اند؟
۲. نخبگان سیاسی دهه اول انقلاب، چگونه و با استفاده از چه مؤلفه‌هایی در مسیر مدیریت جهادی، در راستای توسعه کشور گام بر می‌داشتند؟
۳. مبنای سیاسی جهاد در اسلام چیست؟
۴. امام خمینی (ره) چگونه اندیشه‌های جهادی را در جهت توسعه کشور بکار گرفتند؟
۵. مدیریت شهید رجایی تا چه میزانی در جهت توسعه کشور مثمر ثمر بوده است؟
۶. مقام معظم رهبری با طرح مدیریت جهادی چه شاخص‌هایی را برای پیشرفت و توسعه کشور بیان کرده‌اند؟

۳. پیشینه تحقیق

مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)، کتابی را با عنوان امام و جهاد سازندگی تدوین کرده است که در آن به بیان سخنان آن بزرگوار و اهمیت سازندگی کشور با حالت و وضعیت جهادی پرداخته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴). این نوشته بیشتر جنبه نقل و قول داشته و نتوانسته است ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی را که امام در رابطه با حوزه‌های جهادی به کرات در محافل

و مجالس، همچنین مناسبت‌ها اعلام کرده‌اند به رشته تحریر درآورد. امام (ره) در ادامه حرکت، برای سازندگی کشور و جبران خرابی‌ها، یک حرکت جهادی را لازم می‌بیند و معتقد است با روش جهادی می‌توان از پس این مشکلات برآمد؛ و همه اقشار جامعه را در حوزه‌های مختلف برای مشارکت دعوت می‌کند. از سخنان امام راحل استنباط می‌شود که برای سازندگی و مدیریت خرد و کلان کشور می‌توان از اندیشه و روش جهادی بهره جست و آن را چاشنی فعالیت‌های مدیران، مسئولین و مردم کرد؛ تا در مدت زمان کوتاه نتایج بزرگ، حیرت‌آور و مثال زدنی به دست آید. بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع) نیز، کتابی در ۵ مجلد تحت عنوان درآمدی بر مدیریت جهادی چاپ کرده است (احمدزاده، ۱۳۹۵). گرچه کتاب‌های ذکر شده مطالب ارزشمندی در رابطه با مدیریت جهادی و معیارهای جهادی بودن فعالیت‌ها ذکر کرده است؛ ولی خواننده نمی‌تواند تعریف دقیقی از مدیریت جهادی در آن‌ها بیابد. برای درک بهتر و جامع‌تر از مدیریت جهادی، شاخصه‌ها، معیارها و ویژگی‌هایش از مفهوم مدیریت عمومی نیز استفاده کردیم. برای مدیریت، تعاریف متعدد و متنوعی متصور است؛ ولی باتوجه به گستردگی موضوع به ذکر چند تعریف اکتفا می‌کنیم.

ثریا قطبی و همکاران در نقش مدیریت جهادی در تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی مدیریت جهادی را برخاسته از مدیریت اسلامی و بر مبنای حق و عدل می‌دانند که توأم با روحیه جهادی و تلاش خستگی ناپذیر است (ثریا قطبی و همکاران، ۱۳۹۴). در این شیوه مدیریت اجر معنوی قبل از پاداش دنیوی مد نظر بوده و تعهد از محوری‌ترین مؤلفه‌های آن است. از میان رویکردهای مختلف تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت، مزایای مختلف مدیریت جهادی را در عرصه‌های گوناگون از جمله در گستره فرهنگ آشکار می‌سازد.

مهدی حسینی و همکاران، اقدام به ارائه مدلی از سازمان جهادی کرده و آن را طرحی بومی، قلمداد کرده‌اند (مهدی حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). در این مسیر سه مرحله برای رسیدن به شاخص‌های طرح مدل جهادی عنوان کرده‌اند. جهاد را به معنی هر گونه تلاش در راه خدا می‌دانند و واژه جهاد را به معنای قتال و مقابله نظامی نمی‌دانند و تعاریف دیگری نیز برای آن متصور است. جهاد را به معنی کوشش و تلاش در راه خدا و تلاش برای انجام نیکی‌ها می‌دانند. همچنین سازمان جهادی را داری سه رکن می‌دانند که عبارتند از سازمان جهادی، رسمیت سازمان

جهادی و تمرکز سازمان جهاد.

محمد مبینی، در مقاله‌ای تحت عنوان الگوی اسلامی - ایرانی مدیریت جهادی در راستای عینیت بخشی ام القرای اسلامی، مدیریت جهادی را به عنوان یک الگوی مدیریتی و راهکاری برای عبور از بن بست‌ها و مشکلات پیش روی سازمان‌های جهان اسلام ذکر می‌کند و می‌گوید: مدیریت، مفهومی جدید و گذرا نیست؛ بلکه موضوعی عمیق، ریشه‌دار و با سابقه است که در عقاید قرآن ریشه دارد (محمد مبینی، ۱۳۹۵).

سید مهدی الوانی و همکاران، در کتاب مدیریت دولتی نوین تاریخچه‌ای از پیدایش تحول در بخش‌های امور دولتی پرداخته و آن را مختص کشورهای پیشرفته می‌داند. وی بیان می‌کند که شکل سلسله مراتبی و بروکراتیک که در سال‌های متمادی حالت تسلط داشته جای خود را به نوعی مدیریت دولتی قابل انعطاف و مبتنی بر بازار کار داده است و آن تغییری همه جانبه در نقش مدیریت جامعه و رابطه بین دولت و شهروندان ذکر می‌کند. می‌گوید که در آغاز سال ۱۹۹۰، یک الگوی جدید مدیریتی در اکثر کشورهای پیشرفته جهان ظهور کرد. این الگو شامل شکل‌های مختلفی از مدیریت نظیر مدیریت گرایی، پولیت، مدیریت جدید دولتی و... است. ایجاد دولت رفاه، بازآفرینی دولت و مدیریت گرایی، نتیجه همین تغییر و تحولات در نگرش کشورهای پیشرفته در باز تعریف مدیریت دولتی و ارائه الگوهای کارآمد و مؤثر در جایگزین مدیریت نوین به جای بروکراسی و مدیریت سنتی است (سید مهدی الوانی و همکاران، ۱۳۷۸).

در خصوص ضرورت نگارش مقاله حاضر و محتوای تحلیلی و توصیفی آن که در باب نقش نخبگان در مدیریت جهادی پیشرفت و توسعه ایران در دهه اول انقلاب اسلام است، نکته حائز اهمیت این است که محققان زیادی در باب نخبگان سیاسی فعالیت پژوهشی داشته‌اند؛ اما به طور متمرکز و عمیق و کامل به نقش نخبگان در دهه اول انقلاب در تحقیقات صورت گرفته در راستای موضوع مقاله حاضر، نپرداخته‌اند و هر پژوهشی شاخه یا بعدی از ابعاد توسعه را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. از طرفی تا کنون کمتر نوشته‌ای توانسته است نقش و تأثیر مدیریت جهادی را در توسعه کشور بیان کند. هر آنچه نگاشته شده بیشتر به بیان نظرات امام و رهبری در این باره پرداخته که به ندرت می‌توان آن‌ها را در حوزه عمل بکار بست و وضع کنونی کشور به وضوح مبین این موضوع است.

۴. ملاحظات نظری

۴-۱. تعریف مفاهیم

۴-۱-۱. نخبگان سیاسی

اصطلاح نخبه برای اشاره و نامیدن گروه‌های اجتماعی برتر و دارای جایگاه و منزلت ویژه؛ مانند فرماندهان نظامی، اشراف زادگان و نظیر آن بکار گرفته می‌شد؛ به نوشته فرهنگ انگلیسی آکسفورد، اصطلاح نخبه تا اواخر قرن نوزدهم بطور وسیع متداول نبود؛ اما پس از طرح نظریات نخبه گرایانه در دهه‌های آغازین قرن بیستم، کاربرد آن رواج گسترده‌ای پیدا کرد و عمومیت یافت (باتامور، ۱۳۷۷: ۱۲). نخبگان یا الیتان، به معنای بخش برگزیده‌ای از یک جامعه است که از نظر قابلیت‌ها یا توانایی‌ها، برتر از بقیه جامعه قلمداد می‌شوند؛ در جامعه شناسی و فلسفه سیاسی به گروه کوچکی از مردم گفته می‌شود که با قرار گرفتن در رأس «هرم منزلت اجتماعی» و «امتيازات»، کنترل سهم نابرابر بزرگی از قدرت سیاسی یا ثروت را در اختیار دارند (ازغندی، ۱۳۷۶: ۹). در فرهنگ علوم سیاسی در تعریف نخبگان و زبندگان آمده است: این واژه در معنای وسیع شامل گروهی از افراد است که در هر جامعه‌ای دارای مقام‌های برجسته‌اند و در معنای خاص عبارت است از هر گروهی از افراد که در یک زمینه مشخص برجسته باشند؛ به ویژه اقلیت حاکم و محافظی که اقلیت حاکم از آن بر می‌خیزند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۶۷).

گائتاموسکا اولین دانشمندی است که در مورد نخبگان به نظریه پردازی پرداخت. وی یک تمایز اصولی بین نخبگان و توده‌ها به وجود آورد. موسکا معتقد است که انسان به تنهایی و بدون کمک طبقه ویژه نمی‌تواند حکومت کند و بالطبع، تمام مردم هم هیچ وقت نمی‌توانند به حکومت برسند؛ زیرا نه لیاقت، نه علاقه و نه عمل مشترک را برای این مهم دارند؛ از این رو، مونارشی و دموکراسی در عمل امکان‌پذیر نیست؛ بلکه همواره یک اقلیتی که حتی از آریستوکرات‌ها هم متمایز است، بر اکثریت حکومت می‌کنند (کاوالی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). در مجموع می‌توان گفت: از دیدگاه موسکا، نخبگان سیاسی شامل افراد و شخصیت‌هایی هستند که قدرت سیاسی را اعمال می‌کنند و یا در اعمال قدرت سیاسی نفوذ چشمگیری دارند. وی همچنین معتقد است، حرکت تاریخ اساساً تحت تأثیر منافع و ایده‌های نخبگان بر سریر قدرت انجام می‌گیرد و اینان نقش تعیین کننده‌ای در تحولات جامعه ایفا می‌کنند.

۴-۱-۲. تعریف مدیریت جهادی

این واژه از دو کلمه مدیریت و جهادی ترکیب شده است که برای درک و فهم درست آن

باید مدیریت و سپس جهادی بودن که مهمترین ویژگی آن است را تعریف کنیم. اکنون در راستای جهادی بودن مدیریت گام برمی داریم. مدیریت جهادی را به نوعی می توان مدیریت اسلامی دانست، گرچه مدیریت جهادی به طور قطع و یقین تفاوت هایی با آن نیز خواهد داشت. از آنجایی که دین مبین اسلام برای اکثر ابعاد و جوانب زندگی فردی و اجتماعی انسان برنامه هایی را معرفی کرده است؛ به همین جهت در حوزه مدیریت نیز حرف هایی برای گفتن دارد. مدیریت اسلامی را در روش امام علی (ع) و فرمایشات ایشان در نهج البلاغه و نامه هایی که به فرمانداران و والیان زمان خود نوشته است، می توان یافت. پیامبر اکرم (ص) نیز در این رابطه توصیه هایی کرده است. گرچه در فقه اسلامی بحثی تحت عنوان مدیریت ذکر نشده؛ لکن بزرگان اسلام تحت عنوان سیاست مدن شرایطی را ترسیم کرده اند (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۳). برای مدیریت جهادی تعاریف متعددی ذکر کرده اند که به دو مورد آن اشاره ای خواهیم کرد.

جهاد با جهد و کوشش و تلاش اشتراک معنایی دارد؛ اما جهاد فقط تلاش کردن نیست و مفهوم جهاد در مقابل یک دشمن خود را به معرض نمایش می گذارد که این دشمن ممکن است شیطان، انسان، فقر، جهل یا هر عامل دیگری باشد. گاهی با فقر مبارزه می کنیم و زمانی در مقابل جهل می ایستیم؛ همه این ها از مصادیق دشمن، که ممکن است ظاهری یا فطری باشد، قلمداد می شود (رستمی، ۱۳۹۴: ۱۹).

مدیریت جهادی عبارت از کار و تلاش با نیت الهی مبتنی بر علم و درایت است. هدف این نوع مدیریت خدمت به مردم به ویژه محرومان و مستضعفان است؛ از سوی دیگر تعهد و اخلاص نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی داشته باشد (رضائیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵)؛ به همین دلیل وقتی از جهاد سخن به میان می آید ناخود آگاه، یک دشمن مد نظر است. جهاد معانی گسترده ای را در برمی گیرد و می تواند در سطح فرد و جامعه مورد استفاده قرار گیرد؛ نظیر جهاد با نفس، علم اخلاق و مدیریت جهادی در جامعه (همان: ۳۹). مدیریت با این سه اصل می تواند رنگ و بوی جهادی داشته باشد.

اولاً: جهاد در مقابل یک دشمن اتفاق می افتد که می تواند خود داخلی یا خارجی باشد؛

ثانیا: جهاد با کوشش و تلاش مضاعف و مجاهدت اتفاق می افتد؛

ثالثاً: جهاد باید مقابل طاغوت و در راه رضای خداوند باشد (همان).

۲-۴. مبانی نظری: نخبگان سیاسی و توسعه

پیشرفت و توسعه را می‌توان از دو راه به دست آورد: طریق نخست، فرایندی است که غرب طی کرد و پس از تحول فرهنگی و سیاسی به توسعه اقتصادی نایل شده است. این روند تدریجی، طولانی و همراه پیچیدگی‌های فراوان است. در این شیوه، عقلانیت، علم و مشتقات آن، باید به صورت عینی و واقعی در تمامی ارکان جامعه رسوخ یابد و مبنای تغییر شود. کشورهای در حال توسعه به دلیل آنکه زمان، نظام سلطه جهانی و روی فنا به آن‌هاست، نمی‌توانند از این راهکار استفاده کنند. نخبه‌گرایی، راه کوتاه‌تر، سریع‌تر و کارآمدتر است. منظور از نخبه‌گرایی، آن است که نخبگان بتوانند با تخصص، تعهد، مهارت و تفکر و نظارت، نه تنها پیشرفت جامعه را به دست گیرند؛ بلکه مینا و الگویی برای آن باشند. نخبگان سیاسی لازم است منادی و مبلغ توسعه باشند؛ یعنی مروج اندیشه گذر از کهنه به نو، از سنت به تجدید. این تبلیغ را نباید تماماً از زاویه ارزشی نگریست. قبول اهداف و شیوه‌های توسعه غربی، راهی است که گروهی در پیش می‌گیرند و آن تبلیغ یکسره غربی شدن است. راه دیگری که گروه دیگری از نخبگان بر آن تاکید می‌کنند؛ قبول هدف‌های توسعه به سبک غرب و انکار و نفی و طرد راه وصول به آن است. واقعیت این است که جنبه رمانتیک این راه حل بر جنبه واقعی آن برتری دارد. معلوم نیست که جدا کردن شکل توسعه غربی از محتوای آن تا چه اندازه میسر باشد. راه دیگر انکار انقلابی شکل، محتوا، مسیر و مقصد توسعه غربی و در انداختن طرحی نو است (علوی، ۱۳۹۱: ۵۲)، این راه اگرچه با آرمان‌های جوامع سنتی بیشتر سازگار است؛ اما معلوم نیست در جهان به هم پیوسته امروز تا چه حد امکان تحقق داشته باشد. پس اگر فرض شود که تنها راه ممکن در پیش پای این جوامع طی کردن مسیر توسعه است، انتخاب چندانی در کار نخواهد بود تا پای اصول اخلاقی و ارزشی در کار بیاید. در توسعه یک جامعه، توانایی‌های فکری و سازماندهی نخبگان نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند. واقعیت آن است که توسعه یافتگی نیاز به مجری و متولی دارد و در حوزه نخبگی می‌گنجد که این گونه، مجریان پدید آید (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

تئوری و حوزه نخبگی، مرکز ثقل بحث توسعه یافتگی است. در هر جامعه‌ای به طور کلی می‌توان از دو گروه نخبگان نام برد: نخبگان ابزاری و نخبگان فکری. مقصود از نخبگان فکری اندیشمندان، نظریه پردازان و متفکرین جامعه و صاحبان تخصص و مقصود از نخبگان ابزاری،

صاحبان ثروت و قدرتند. اگر میان این دو گروه اشتراک نظر و اجماع نظر باشد، خمیر مایه داخلی یک جامعه غنی خواهد بود (سریع القلم، ۱۳۹۱: ۳۹). یکی از شروط اساسی توسعه یک کشور، اجماع نظر این دو گروه نخبه، راجع به مفاهیم ده گانه در سه حوزه فرهنگ (انسان، جامعه، دین، زندگی و زمان)، سیاست (دولت و قدرت) و ثروت (کار، ثروت و طبیعت) است. این مفاهیم در برگیرنده بنیادی‌ترین تعاریف در فرهنگ اجتماعی، انسجام فرهنگی، تشکل اجتماعی است. نخبگان برای اثر گذاری بیشتر و بهتر نیازمند تئوری‌اند و مسئولیت اصلی در زمینه افزایش کارایی و انسجام تئوری حاکم بر یک جامعه بر عهده نخبگان است. وظیفه نخبگان این است که زوایای تئوریک مثلث کشورداری را بر سه عنصر علم، امنیت، و مشروعیت استوار گردانند؛ به گونه‌ای که این عناصر به شکل هنرمندانه‌ای با مبانی ارزش و فرهنگی جامعه انطباق یابد (سریع القلم، ۱۳۹۳: ۳۲).

در این حال، حداکثر تلاش نخبگان حفظ ارزش‌های سنتی و بومی کردن بیش از پیش راه و روش توسعه است؛ به بیان دیگر نخبگان به عنوان یکی از ارکان مبلغ و تأثیر گذار بر توسعه، لازم است هم سنت را بشناسند و هم تجدد را؛ البته این وظیفه‌ای است سخت و دشوار. برخی از صاحب نظران با در نظر داشتن مواجهه نخبگان با مسئله توسعه، چهار وظیفه عمده را برای آنان یادآور شده‌اند؛ این چهار وظیفه عبارتند از: توضیح، ابتکار، تمایز و انتخاب. توضیح و ابتکار، وظایف نخبگان را در قبال سنت در برمی‌گیرد و غرض از آن‌ها، تفسیر سنت و بازسازی آن است. تمایز و انتخاب را می‌توان به معنای ارزیابی کردن تجدد و انتخاب پاره‌های سازگار با سنت دانست؛ نخبگان از این طریق میان سنت و تجدد و میان آینده و گذشته پل می‌زنند.

۵. روش تحقیق:

در این تحقیق، روش، ترکیبی است و بیانگر یک رابطه علت و معلولی بین نخبگان سیاسی به عنوان متغیر مستقل و بحث توسعه به عنوان متغیر وابسته است. از طرفی کیفی نیز است؛ بنا بر این، اسناد و مدارکی که ماهیت اندیشه و مدیریت جهادی را بررسی کرده‌اند، مورد استفاده قرار گرفته است و از نظر تئوریسین‌های این نظریه؛ نظیر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری که بیشتر از دیگران به این امر پرداخته‌اند و در این مورد مطالب فراوانی بیان کرده‌اند، استفاده

شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها نیز به صورت اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است؛ از این رو، الگوی ترکیبی با استفاده حداکثری از ظرفیت‌ها و مقتضیات برای شناخت هر چه بهتر پارامترهای تأثیرگذار در موضوع و اهداف تحقیق و پژوهش، ضروری است.

۶. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش، مدیریت جهادی که مدل جدیدی از مدیریت و طرح شده، توسط شخصیت‌های برجسته انقلاب اسلامی بوده است، در خود، دارای ویژگی‌هایی است که قابل مقایسه با تعاریف مدیریت در سایر جوامع نیست؛ بر همین اساس، با بررسی و مطالعه‌ای که از نظرات و دیدگاه‌های سه شخصیت مطرح انقلاب اسلامی و نخبه سیاسی که نقش بزرگی در توسعه کشور داشتند به عمل آمده، سؤالاتی در همین راستا طرح شده است که در این جا سؤال اول را مطرح، و برای یافتن پاسخی مناسب برای آن گام بر می‌داریم.

آیا نخبگان سیاسی نقش مهمی را در مدیریت جهادی در فرآیند رشد و توسعه متوازن جوامع خود در دهه اول انقلاب اسلامی ایفا کرده‌اند؟

چنانچه در تحقیق حاضر پیشتر ذکر شد، بعد از انقلاب اسلامی به لحاظ شرایط انقلابی و جنگ و بازسازی و همچنین عدم تجربه‌ی سیاسی کافی سران حکومتی، کشور در مسیر توسعه متوازن قرار نگرفت و فضای متکثر سیاسی همراه با مشارکت عمومی با حضور احزاب و گروه‌های سیاسی به طور مستمر و تعیین کننده به وجود نیامد. و خلأ نبود یک گروه نخبه برای مدیریت جهادی فزاینده احساس شد که با استفاده از گروه نخبگان سیاسی و سپردن مدیریت جهادی به این قشر از جامعه، در برون رفت از شرایط سخت جامعه از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... نقش مهم و فزاینده‌ای را ایفا کردند.

از طرفی، نقش پیشتاز و ممتاز نخبگان سیاسی در شناخت حال و آینده، با استفاده از تجربیات تاریخی گذشته خود و دیگر ملت‌ها در مقوله‌ای مهم به نام مدیریت جهادی برجسته می‌کند که منافع و اصول کشورها بر اساس آن و توسط نخبگان سیاسی طراحی و به مرحله اجرا گذارده شود. امام راحل، با شناختی که از بافت فرهنگی و اجتماعی ایران داشت، همواره جهاد فرهنگی را به تبعیت از انبیاء برگزید؛ حتی این عمل را در آخرین روزهای حکومت پهلوی نیز به

نمایش گذاشت و جهاد فرهنگی را بر اقدامات نظامی و مسلحانه ترجیح دادند؛ مگر در مواردی که رژیم طاغوت دست از خشونت بر نداشته و در صدد کشتار مردم برآمده باشد (دادوند، ۱۳۹۵: ۲۷۱).

جهاد فرهنگی خود می‌توانست که به توسعه فرهنگی منجر شود؛ زیرا وقتی فرهنگ یک جامعه ارتقا پیدا کند تغییراتی را بپذیرد که رو به تکامل باشد می‌توان به توسعه در سایر زمینه‌ها نظیر اقتصادی، علمی، سیاسی و اجتماعی امیدوار بود. سؤال دوم تحقیق به شکل زیر عنوان می‌شود که:

نخبگان سیاسی دهه اول انقلاب با استفاده از چه مؤلفه‌هایی از مدیریت جهادی در راستای توسعه کشور گام بر می‌داشتند؟

از آنجایی که مدیریت جهادی متأثر از احکام و قوانین اسلام طراحی شده است، به عنوان یک محرک، نخبگان سیاسی را در جهت توسعه کشور ترغیب می‌کرده است، طرح شد.

مدیریت و فعالیت جهادی، باید به علم و دانش روز و فن آوری مجهز باشد تا بتواند مشکلات، نارسایی‌ها و کمبودهای جامعه را شناسایی و در ترفیع آنان تلاش کند؛ از این رو، داشتن حس ایثار، اخلاص، از خود گذشتگی از مؤلفه‌های بسیار مهم تفکر و اندیشه جهادی نخبگان سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی ایران است؛ زیرا، ایثار و از خودگذشتگی که از آموزه‌های دین اسلام الهام گرفته، در تفکر مادی و عقل ابزاری جایگاهی ندارد. یکی دیگر از مؤلفه‌های مدیریت جهادی نخبگان سیاسی در دهه اول انقلاب اسلامی، که بسیار مهم بوده و نقش اساسی را در برون رفت از شرایط سخت حاکم بر اوضاع جامعه داشته، انتخاب مدیران شایسته و تربیت یافته در مکتب اسلام؛ همچون امام راحل، مقام معظم رهبری، در رأس اجرای اهداف کشور است؛ زیرا بر این امر واقف بودند که مدیریت شایسته و پرورش یافته مکتب حق، محور اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران اسلامی است. مدیریت جهادی، واجد خصوصیات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند در موفقیت سازمان‌ها نقش اساسی ایفا کند، این ویژگی‌ها در بطن دستورها، توصیه‌ها، نظرها و شیوه‌های بکار گرفته شده توسط پیشوایان دین حضور و وجود عینی دارد؛ ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آن‌ها در سازمان‌ها، نیاز به کار پیشگامانه و دور از هراس و خود کم بینی صاحب نظران مدیریت و پژوهش دارد. بدین ترتیب، ساختار مدیریت

جهادی عبارت است از:

الف: برگرفته از تفکر و ارزش‌های اسلامی؛

مدیریت و تفکر جهادی برگرفته از متون اسلامی است و هدف آن گسترش و توسعه ارزش‌های دینی است. همین ارزش‌ها می‌توانند به عنوان یک محرک شخص را برای اعمال و تبلیغ مدیریت جهادی ترغیب کنند.

نگاهی گذرا به تاریخ اسلام نیز به خوبی نشان می‌دهد که مسلمانان نیز جامعه خود را مدیریت می‌کردند. به خوبی در می‌یابیم که مدیریت آنان براساس آگاهی از اسلام و سنت پیامبر اکرم (ص) بوده است (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۵۰-۱۵۱). این نوع مدیریت چه در زمان شخص پیامبر و سایر خلفا و در نهایت علی (ع) با استفاده از آن آموزه‌ها اعمال شده است؛ به همین دلیل، مدیریت جهادی که به نوعی مدیریت اسلامی نیز هست باید برگرفته از دین اسلام و تجارب مسلمانان که به نوعی جامعه خود را مدیریت کرده‌اند، باشد.

امام خمینی (ره)، در این زمینه توصیه کرده است: فرزندان عزیز جهادیم، به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۷) در واقع به نظر می‌رسد مدیریت جهادی بر مبنای ارزش‌های الهی اسلام، زمینه‌های تعالی و شکوفایی انسان را فراهم می‌آورد. این امر چه در سطح جامعه (مدیریت و رهبری در جامعه اسلامی) و چه در سطح سازمان (مدیریت و رهبری سازمانی) مصداق دارد که نمونه آن در تغییر نوع نگاه به انسان‌ها در سازمان، از نگاه منابع به انسان در کنار دیگر منابع سازمانی، به نگاه سرمایه ارزشمندی که با پرورش آن زمینه خلاقیت و نوآوری در سازمان فراهم خواهد شد.

ب: دانش محور بودن و استفاده از نیروی متخصص و با انگیزه؛

هیچ اقدام و فعالیتی بدون داشتن علم و آگاهی و تخصص کافی به هدف و مقصد نمی‌رسد؛ جز اینکه عامل آن دارای علم و دانش و مهارت همچنین انگیزه و تعهد لازم باشد. مدیریت و فعالیت جهادی نیز باید به علم و دانش روز و فن آوری مجهز باشد تا بتواند مشکلات، نارسایی‌ها و وضعیت جامعه را شناسایی و در جهت رفع آنان قدم بردارد. داشتن حس ایثار، اخلاص و از خودگذشتگی از شاخصه‌های بسیار مهم تفکر و اندیشه جهادی است. ایثار، یعنی از خودگذشتگی که از اسلام نشأت می‌گیرد و در تفکر مادی و عقل ابزاری جایگاهی ندارد (رستمی، ۱۳۹۴: ۸۸).

از طرف دیگر مدیریت جهادی باید با اخلاص توأم باشد. اخلاصی که در جهت رضای خدا و برای مردم باشد. اگر اخلاص برای خداوند باشد همیشگی و ماندگار است. همچنین باعث درخشش، تألؤ و علو مادی و معنوی مسلمین می‌شود. اخلاص در سایر اهداف، زودگذر و تازمانی که شخص، احساسی است اتفاق می‌افتد؛ ولی هرگاه هدف و اخلاص خدایی باشد نتیجه‌اش دائمی است (همان: ۸۹). هوش بالا، جامع‌نگری و نگرش سیستمی، وجود نظام فکری، ژرف نگری و عمیق بینی امور، عرضه افکار، هم فکری و مشورت و ... از شاخصه‌های ممتاز این امر مهم است. بنا بر این، مجموع اطلاعات و آگاهی‌های مدیریت جهادی در دو بخش به ترتیب ذیل است:

۱. اطلاعات فنی و مهارتی در زمینه تخصصی مدیریت؛

۲. آگاهی‌های مربوط به بینش‌ها و ارزش‌ها خلاصه شده؛ البته این نوع آگاهی‌ها بخشی از آموزش‌هایی است که یک مدیر لایق از آن‌ها برخوردار است؛ علاوه بر این مدیریت جهادی در بستر مناسب با فراهم شدن شرایط لازم برای کار و ابتکار خود بروز می‌کند (عظیمی، ۱۳۸۶: ۵۳).

ج: مبارزه با فقر و خدمت به محرومان؛

از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن، به فرمان امام (ره)، جهاد سازندگی تشکیل شد و از همه اقشار مردم برای پیوستن به جهاد سازندگی و در راستای تحقق اهدافش دعوت به عمل آمد. امام اجر و پاداش آن را، از زیارت عتبات عالیات و حتی حج مستحبی نیز بیشتر دانستند و فرمودند: ثوابی بالاتر از اینکه به برادرهای خودتان کمک کنید و این سازندگی را با هم شروع کنید، نیست و خداوند اجر عنایت می‌کند و همان ثوابی را که از او می‌خواهید به شما در این جهاد خواهد داد (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱۲)؛ این به معنی جهت دهی به مدیریت، استراتژی و اندیشه جهادی است که باید در مسیر کمک به رفع محرومیت‌ها و کندن ریشه فقر از جامعه باشد. امام راحل خدمت به مستمندان را بزرگترین عبادت نزد خداوند می‌دانست و برای موفقیت کسانی که در این راه فعالیت می‌کنند و کشور را از خود می‌دانند، دست استمداد نزد خداوند بلند می‌کند (همان: ۵۸). بدون شک شیفتگی به اسلام ناب و ولایت، بستر ساز عشق دیگری است که همان «خدمتگزاری به مردم» است؛ زیرا در فرهنگ جهاد، کار نه فقط یک وظیفه و هدف اداری؛ بلکه امری مقدس و عبادی شمرده می‌شود. در حقیقت فلسفه اجرایی همه

سیاست‌ها، طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های سازمانی در فرهنگ جهاد خدمت خالصانه و صادقانه به مردم، خصوصاً محرومان و مستمندان است. به همین سادگی در فرهنگ جهاد، خدمت خالصانه به بندگان خدا و رفع مشکلات و مصائب آنان و تامین نیازهای اساسی شان عبادت محسوب می‌شود. در ادامه برای پاسخ به سؤال سوم تحقیق تلاش می‌کنیم.

مبنای سیاسی جهاد در اسلام چیست؟

۱-۶. مبنای سیاسی جهاد در اسلام

جهاد به عنوان یک اندیشه و تفکر، در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از صدر اسلام تاکنون در کانون توجه قرار گرفته است. در فقه اسلامی به معنی جنگ با کافران و در لغت به معنای هرکاری که در توان است چه در گفتار و چه در کردار. از لحاظ تاریخی - سیاسی جهاد در اسلام بیشتر جنبه دفاعی داشته و در گذر زمان و قدرت گرفتن مسلمانان دارای شدت و حدت متفاوتی بوده است (حلی، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

اسلام معتقد است که جهاد، تنها دارای وجه بیرونی نیست؛ بلکه مهمتر از آن، بعد درونی جهاد است. از نظر اسلام، مبارزه با کشمکش‌ها و تعارض‌های درونی انسان به دلیل زیربنایی بودن، «جهاد اکبر» و در مقابل، مهار تنازع‌ها و تعارض‌های بیرونی به سبب روبنایی بودن، «جهاد اصغر» خوانده می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۷). جهاد اکبر، مبارزه با هوای نفس و تمنیات خودخواهانه برای خالص کردن اندیشه، اراده و عمل فرد از هر نوع بدی و شر است تا فرد بتواند در مسیر کمال و سعادت گام بردارد؛ به عنوان مثال، هنگامی که پیامبر و یارانش از جنگی با پیروزی بر می‌گشتند؛ چون لازمه پیروزی شادی و شور و شغف است، پیامبر اکرم (ص)، یاران خود و صحابه را به جهاد اکبر دعوت می‌کردند و جهاد مبارزه در میدان جنگ را جهاد اصغر می‌نامیدند. مبارزه با نفس و نفس کشی را بسیار بزرگتر از میدان جنگ می‌دانستند همین روحیه جهادی پیامبر و یارانش، در افکار و اندیشه‌ها و حتی زندگی شخصی آنان، تأثیر گذاشته است. ساده پوشی و ساده زیستی در رفتار ابوبکر و عمر در کتب تاریخی اهل تشیع و تسنن به تفصیل ذکر شده است (حلی، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

در حالی که پیامبر اکرم، امام علی (ع) و دو خلیفه دیگر به ساده زیستی، سادگی و پرهیز از

دنیا مشهور و معروف بودند، کسانی بودند که به دنبال عظمت، شکوه و جلال بودند و اندیشه و تفکر جهادی نزد آنان جایگاهی ویژه داشت و اساس دیانت را در پادشاهی و کام جویی در دنیا تصور می کردند که معاویه ابن ابی سفیان نمونه بارز و آشکار آن است (حلبی، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

در اسلام آنچه اهمیت دارد، مصلحت اسلام و مسلمانان و تأمین امنیت برای دعوت مسالمت آمیز، رفع و دفع تجاوز و تنبیه متجاوز و نیز برقراری توازن قوا و بازدارندگی میان ملل مسلمان و دیگر ملت هاست؛ بنا بر این، مقصود اسلامی مستتر در جهاد و جنگ، عبارت است از: حصول به شرایط صلح، عدالت و ایمان (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۴۸). از سوی دیگر اسلام بیان می کند که جهاد، ارزشی والاتر از سیر عبادات دارد و همانند آن نمی توان یافت؛ زیرا جهاد، پذیرش رنج، سختی، گذشت، ایثار و اظهار محبت است (شریعتمدار جزایری، ۱۳۷۹: ۱۵)؛ بنا بر این، جهاد در اسلام به منظور تأمین امنیت، تضمین حاکمیت، استقلال، دفاع از امت اسلامی، استقرار صلح، حمایت از ادیان آسمانی و عدالت برقرار شده است. همین کام جویی و پادشاهی بودن سلاطینی که بر بلاد اسلامی حکم می رانند را به کشور گشایی و دست درازی به سایر کشورها وادار می کرد؛ علت این امر فاصله گرفتن از تفکر جهادی خصوصا جهاد با نفس و جهاد اکبر که لازمه اش گریز از زرق و برق دنیوی است. خود بزرگ بینی و توجه بیش از اندازه به خود و خود را مقدم بر دیگران دانستن نشانه فاصله گرفتن از اندیشه جهادی است. پیش نیاز جهادی بودن، جهادی اندیشیدن، جهادی زیستن و جهادی عمل کردن است. و آن زمانی محقق می شود که امور کشور، جامعه و دیگران مقدم بر نیازها و مطامع فردی باشد. انسان تا زمانی که به خود سرگرم است فرصت خدمت به جامعه و دیگران را نخواهد داشت. همچنین اسلام، دینی است که دارای استراتژی و برنامه های بلند مدت است و اهداف گسترده ای را دنبال می کند. این اهداف در سطح جهانی قابل بررسی است؛ از قبیل تبلیغ جهان بینی توحید، اعتقاد و کرامت انسانی و جانشینی خداوند بر روی زمین، مبارزه با نژاد پرستی و از بین بردن ظلم و ستم و تشکیل حکومت واحد جهانی. در برنامه بلند مدت یکی از مباحثی که می تواند تأثیر گذار باشد، امنیت اقتصادی است. امنیت به اعتبار جامعه شناسی اش، اسباب و لوازم فعالیت های اقتصادی است. کشورها و جوامعی که رشد اقتصادی و صنعتی را تجربه کرده اند این امنیت را به صورت مختلف تأمین کرده اند؛ در حالی که در کشورهای نظیر کشور ما این امنیت هنوز تحقق نیافته است (رضاقلی، ۱۳۷۷: ۲۱).

در نظام مدیریتی جهادی دستورالعمل‌های اسلام در ابعاد مختلف به عنوان شیوه‌های کاربردی برای اداره جامعه در نظر گرفته شده است. چنانچه کانت آورده است، باید بدانید که همه پیام‌ها که وارد ذهن ما می‌شوند مقبول نمی‌افتند؛ بلکه پیام‌هایی مقبول می‌افتد که با وضع فعلی ما سازگار باشد (همان: ۷۹). در واقع این نکته را بیان می‌کرد که تمام آن مباحث علمی ناشی از تحولات اجتماعی توده گمنامی است که نسج آن را می‌بافند؛ پس باید برای تغییر در ساختار اقتصادی و صنعتی کشور بافت جامعه، مشکلات موجود بررسی و براساس آن‌ها برنامه‌های بلند مدت و استراتژی طراحی و اجرا کرد؛ بر همین اساس، سؤال چهارم در قالب اندیشه‌های امام راحل به شکل زیر قابل طرح است.

امام خمینی چگونه اندیشه‌های جهادی را در جهت توسعه کشور تبیین کرده‌اند؟

۲-۶. دیدگاه امام خمینی (ره)، مدیریت و اندیشه جهادی

امام خمینی (ره) با نگرشی متأثر از اسلام گرایی و دین محوری مدیریت کشور را رصد می‌کرد. از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در صدد تربیت و ایجاد نیروهایی بود که آموزه‌های اسلام را آویزه گوش خود کنند. برای استیلا و استقلال کشور با تلاش مضاعف اقدام به اداره کشور کنند؛ بر همین مبنا، تفکر، اندیشه و فرهنگ جهادی به عنوان بهترین محرک برای ایجاد انگیزه در نیروهای انقلابی به مدد امام آمد و نوعی سازمان دهی هدفمند در کشور به وجود آمد که ترکیب آن را افراد انقلابی، متدین، ایثارگر و از خود گذشته تشکیل دادند. در این پژوهش که به دنبال شناسایی خاستگاه و جایگاه مدیریت جهادی و تأثیر آن بر نخبگان سیاسی جهت توسعه کشور و جامعه‌ایم؛ در ابتدای کلام، امام راحل را به عنوان سنبل جهادی انتخاب کردیم و در آغاز از گفتار ایشان در مورد جهاد، فرهنگ و اندیشه جهادی استفاده خواهیم کرد. افراد مومن که ویژگی‌شان بر مدار، موازین و معیارهای دینی است، اعمال و رفتارشان با مقررات و اوامر الهی محک زده می‌شوند. همان‌طور که در برابر وظایف محوله خود را در برابر پروردگار مسئول می‌دانند سعی می‌کنند که آن وظایف را صحیح و به نحو احسن به پایان برسانند (شعبانی و تاج آبادی، ۱۳۸۶: ۲۹۲). از نظر امام (ره) فرقی ندارد فرد جهادی در میادین جنگ باشد و به ساختن سنگر و جاده‌های مواصلاتی یا سنگر سازی مشغول باشد و یا به روستاها رفته و برای آبادانی آن‌جا اقدام

کند، در هر صورت هدفش احیای اسلام و اعتلای مکتب و دین چیز دیگری نیست. دغدغه و دل مشغولی آن‌ها این است که از عهده آن عمل برآیند و متکی به دین اسلام باشند. امام راحل موکداً بر دین محوری، اسلام‌گرایی و پرهیز از مسائل خلاف اسلام توصیه و سفارش می‌کردند (شعبانی و تاج‌آبادی، ۱۳۸۶، ۲۹۲)؛ پس جهاد از نگاه امام فقط مبارزه مسلحانه، رفتن به جبهه جنگ و قرار گرفتن در مقابل دشمن نیست؛ بلکه موارد متعدد فعالیت و تلاش وجود دارد که می‌تواند در حصار اندیشه جهادی قرار گیرد و اجر و معنویت آن را تا سر حد جهاد در میدان نبرد بالا ببرد. از طرفی امام تأکید داشتند که نیروهای جهادی مطابق رویه ملت که همان رویه اسلام است حرکت کنند و مسائلی خلاف آن نداشته باشند؛ چون هر حرکتی خلاف آنچه ذکر شد خلاف اسلام خواهد بود و معتقد بود کسی که بر خلاف مکتب، روش و منش ملت خود گام بردارد هرگز نمی‌تواند به آن ملت خدمت کند (همان: ۲۹۳). انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی چندین تحول در جهان و در سطح ایران به وجود آورد که مهمترین آن‌ها را می‌توان، استقرار نظام سیاسی اجتماعی مبتنی بر دیانت اسلام همچنین بازگشت به سنت‌های رایج پسندیده و بومی شمرد. شتاب گرفتن جنبش بیداری اسلامی در میان جوانان، دانشگاهیان و روحانیون که گرفتار سر در گمی فرهنگی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی بودند، بر اساس موازین اسلام شد. از آن جایی که انقلاب اسلامی به توسعه‌ی لیبرالیستی و مارکسیستی خط بطلان کشید سبک و موج نوینی از توسعه شروع به شکل گرفتن کرد (خارکوهی، ۱۳۸۷: ۸۹)

فرهنگ جهادی متأثر از خاستگاه جهاد در میان مدیران، نخبگان سیاسی و تمام کسانی که به هر نحوی با انقلاب اسلامی، بازسازی و توسعه کشور در ارتباط بودند، انگیزه‌ای ایجاد کرد تا با کمترین امکانات مادی و اداری و با وجود جنگ تحمیلی و فعالیت‌های ضد انقلاب، در بسیاری از مناطق محروم همزمان با فعالیت‌های فرهنگی، توسعه، عمران و آبادانی روستاها شتاب گیرد و باعث امیدواری محرومان شود (همان: ۹۰)؛ گرچه کارها در ابتدا به صورت سازمانی و به سهولت صورت نمی‌گرفت و شکل مدیریت قابل ملاحظه نبود؛ ولی به تدریج در کمترین زمان، جهاد انسجام لازم خود را به دست آورد و نظام مدیریت جهادی صورت پذیرفت. مدیریت در نظام و سازمان جهادی بر پایه رهبری و سوق دادن افراد به سمت وظایف خود و به سوی سازندگی پایه گذاری شد. مدیران نقش و وظیفه هدایت و رهبری ایجاد انگیزه برای کار و تلاش بیشتر را به

عهده داشتند. آنان از متن و بطن جامعه برخاسته بودند و رابطه عمیقی با مردم و جامعه داشتند؛ بنا بر این، به بهترین وجه ممکن از این عامل در اجرای کارهای جهادی بهره‌مند شدند (کولیوند و کریمیان زاده، ۱۳۹۳: ۵۵). آنچه مدیران جهادی را از دیگران متمایز می‌ساخت، ارزش‌هایی بود که آنان بوجود آوردند و به صورت الگویی برای سایر سازمان‌ها و ادارات ترسیم کردند؛ به همین منظور امام خمینی (ره) فرمودند: عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم، چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۵۹).

«هر ملتی که دارای فرهنگ برتر باشد، پیروز میدان کارزار در آینده است. چه در حوزه سیاست و چه در حوزه اقتصاد. این خود شاهد این مدعاست که توسعه فرهنگی، مقدم بر توسعه سیاسی و اقتصادی است» (کولیوند و کریمیان زاده، ۱۳۹۳، ۵۵). فرهنگ جهادی به عنوان بزرگ‌ترین فرهنگ و آمیخته با مدیریت جهادی، توسط جهادگر بزرگ، خمینی کبیر با آهنگ و بانگ سازندگی و نوسازی سر داده شد. خرابی‌ها که حجم بسیار بالایی نیز داشتند توسط آن رهبر فرزانه گوشزد شد. اینجا بود که مدیریت و فرهنگ جهادی با نفس گرم و مسیحایی خورشید جماران پی‌ریزی شد و زمینه خدمت‌رسانی به مناطق محروم و دفاع مقدس با وجود ضد انقلاب و ریختن خون شهدا و مجروحین آغاز شد (کولیوند و کریمیان زاده، ۱۳۹۳: ۵۶).

امام راحل سه عنصر کلیدی را برای فرهنگ و مدیریت جهادی مهم می‌دانستند که عبارتند از: عشق به ارزش‌های مقدس اسلام، عشق به ولایت و عشق به خدمت‌گزاری به مردم، که هر کدام از آن دو عنصر، بستر عشق ساز در خدمت‌گزاری مردم می‌شود (همان: ۵۶-۵۷). در فرهنگ جهادی خدمت خالصانه به بندگان خدا و رفع مشکلات و سختی‌های آنان و تأمین نیازهای اساسی‌شان عبادت محسوب می‌شود. کارنامه درخشان این فرهنگ جایی خود را به معرض نمایش می‌گذارد که وجب به وجب نقاط دور افتاده و ناشناخته مملکت با تلاش و پیکار جهادگران آباد می‌شود و باعث ایجاد نشاط و خرسندی ستم‌دیدگان و خان‌گزیدگان شده تا در محافل مختلف خاطرات آن دوران را نجوا کنند (همان: ۵۷). گرچه برخی جوامع ممکن است بعضی از مسائل مانند فقر را پنهان کنند و وانمود کنند که در آن کشور چیزی به نام فقر وجود ندارد؛ ولی امام راحل فقر و نارسایی‌های بجا مانده از رژیم قبل را آشکارا بیان می‌کردند و مسئولین کشور را برای فقر زدایی در مناطق محروم خطاب قرار می‌دادند و می‌فرمودند: کسی که به یک مستمند و

نیازمند خدمت کند آن همه اجر نزد خداوند خواهد داشت؛ پس برای کسی که به میلیون‌ها انسان مستمند و مستضعف خدمت کند اجرش قابل محاسبه نخواهد بود و تنها کسی که می‌تواند پاسخ گوی خدمت او باشد خداوند تبارک و تعالی خواهد بود (خارکوهی، ۱۳۸۷: ۹۰). توجه به مردم، همراهی و هم گام شدن با مردم از ویژگی‌های فرهنگ جهادی مد نظر امام بود. ایشان مردم‌داری و هماهنگی با آن‌ها هم چنین با معتمدین مردم را عامل موفقیت و کامیابی در امور می‌دانستند و آنان را از خصائص حکومت اسلامی بر می‌شماردند (شعباتی و تاج آبادی، ۱۳۸۶: ۲۹۳). امام راحل با شناختی که از بافت فرهنگی و اجتماعی ایران داشت، جهاد فرهنگی را به تبعیت از انبیا برگزید؛ حتی این عمل را در آخرین روزهای حکومت پهلوی نیز به نمایش گذاشت و جهاد فرهنگی را بر اقدامات نظامی و مسلحانه ترجیح دادند؛ مگر در مواردی که رژیم طاغوت دست از خشونت بر نداشته و در صدد کشتار مردم برآمده باشد (دادوند، ۱۳۹۵: ۲۷۱).

جهاد فرهنگی خود می‌توانست که به توسعه فرهنگی منجر شود؛ زیرا وقتی فرهنگ یک جامعه ارتقا پیدا کند تغییراتی را بپذیرد که رو به تکامل باشد، می‌توان به توسعه در سایر زمینه‌ها نظیر اقتصادی، علمی، سیاسی و اجتماعی امیدوار بود. جهاد و نگرش جهادی از بزرگترین فضیلت‌ها هستند؛ اما همین فضیلت در درون خود فضائی را به وجود می‌آورد که باعث سهولت کار یک مجموعه، سازمان یا مدیران یک کشور می‌شود. فضیلت‌هایی؛ مانند: هم رشدی، تقوای سازمانی، اخوت، ایثار، اخلاص و مجاهده که می‌توانند از فضیلت جهاد اخذ شوند، که هریک به نوبه خود می‌توانند عملکرد یک مجموعه را هدفمند و با سرعت بیشتری به مقصود نزدیک کنند. به عنوان مثال فضیلت هم رشدی باعث می‌شود که نیروها در جهت رشد یکدیگر اقدام کنند. هم چنین خطاها و نقاط ضعف همدیگر را تکمل کنند. فضیلت تقوا باعث اهمیت دادن به بیت المال و رعایت شرعیات و حدود می‌شود. سایر فضائل در به ثمر رسیدن اهداف مجموعه دارای تأثیر خواهند بود. ایثار نیز فضیلتی است که بار ارزشی و معنایی آن بسیار جذاب است و افراد یک سازمان جهادی را برای برداشتن گام‌های محکم و فارغ از ریا و خودنمایی ترغیب می‌کند تا بیشتر از دیگران خود را هزینه کند و گوی سبقت را از دیگران برآید؛ زیرا در آن رضای خداوند و قرب به آن نهفته است (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۶۹).

مدیران جهادی خود را مجهز به فضیلت‌های ذکر شده می‌کنند تا بر اساس فضیلت اسوه‌گری بتوانند برای سایر اعضای سازمان نیز الگو شوند و منتسب به صفت فضیلت مداران شوند؛ بر اساس همین دیدگاه و نگرش نهادهایی در بستر انقلاب اسلامی شکل گرفت که با فرهنگ اصیل اسلامی و فرهنگ بومی تناسب زیادی داشتند (دانایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸). همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، مدیران و دست‌اندرکاران جهادی باید خود را با فرهنگ، مکتب و خواسته‌های مردم هماهنگ کنند.

لازمه‌ی جهادی بودن، ایثارگری است و دیگران را بر خود مقدم داشتن است (رشید و ادریسیان، ۱۳۷۹: ۱۸). چشم پوشی کردن از منافع خود و به منافع عمومی، اجتماعی و ملی توجه ویژه داشتن، ما را به سمت ایثار هدایت می‌کند. همان چیزی که انقلاب اسلامی به دنبال تحقق آن بوده است.

۱-۲-۶. شایستگی در مدیریت جهادی

شایستگی، مسئله بسیار مهم در انواع مدیریت است و چشم پوشی از آن دارای پیامدهای جبران ناپذیری است. برای شایستگی تعاریف متعددی ذکر شده است. برخی شایستگی را روش مرسوم برای فائق آمدن بر پیچیدگی و تحول وظایف کارمندان در دنیای پویای امروز می‌دانند. و عده‌ای آن را تعیین کننده مهارت، دانش و قابلیت‌های یک فرد برای دستیابی به انتظارات تعریف شده می‌دانند (فرهمنند نیا، ۱۳۹۶: ۲۷۴). انتخاب مدیران شایسته و تربیت یافته در رأس سازمان، باعث بهبود کیفیت فعالیت‌های سازمانی خواهد شد و مدیریت شایسته، محور اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها به شمار می‌آید. شایستگی دارای ابعاد دینی - اعتقادی است و ارتباط مستقیم با اسلام و رهنمودهای قرآن کریم و دیگر منابع اسلامی نظیر نهج البلاغه دارد. شایستگی اعتقادی می‌تواند در گفتار و کردار، اخلاص در بندگی، جهاد با نفس، توکل و مسائلی از این دست خلاصه شود. نوع دیگری از شایستگی اخلاقی - انقلابی تعبیر شده است. مدیر شایسته باید عالم به مدیریت و تدبیرگرا، شایسته‌گزین و برانگیزاننده باشد. نقدپذیری و مشورت خواهی نیز از ویژگی‌های مدیر شایسته است (همان).

امام راحل در همین زمینه می‌فرماید: تقوا، صداقت و درستی در عمل، قدرت رهبری و اداره امور و استقامت در مبارزه برای عقیده، شرایط اساسی برای هدایت مردم است (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۳۷). ایشان در جایی دیگر دولتمردان را توصیه می‌کند که در گزینش همکاران برای بهتر خدمت کردن به کشور، بر تعهد و کاردانی آنان تکیه شود تا در پیشگاه خداوند روسفید و در امور موفق باشید. آشنایی و دوستی و حرف شنوی را ملاک گزینش قرار ندهید؛ چون بدون تفکر و تأمل موجب ناکامی در خدمت به مردم است (فرهمنند نیا، ۱۳۹۶: ۲۹۲).

شایستگی در مدیریت و گزینش شایستگان برای خدمت به مردم و کشور کلید سحرآمیزی است برای گشودن قفل‌هایی که بر مشکلات کشور زده شده است. وقتی افراد شایسته به کار گمارده می‌شوند، مدیران جهادی نیز با اطمینان و اعتماد می‌توانند وقت خود را صرف امور دیگر کنند. در غیر این صورت مدیر باید وقت خود را صرف کنترل افرادی کند که بدون گزینش وارد چرخه مدیریت جهادی شده‌اند و متصف به صفت شایستگی نیستند؛ یا از مهارت قابل ملاحظه برخوردار نیستند. شم سیاسی در مدیران جهادی بسیار حائز اهمیت است. مدیر باید آگاه به

مسائل روز، پدیده‌ها و حوادثی که هر لحظه در گوشه و کنار جهان و کشور اتفاق می‌افتد، باشد. مسائل سیاسی را به راحتی تحلیل و موضع خود را در برخورد با آن‌ها به درستی مشخص کند و عامل به وظیفه خود باشد (فرهمندینا، ۱۳۹۶: ۲۹۴). برای شایستگی مباحث زیادی وجود دارد و نظریه‌های متفاوتی را شاهدیم؛ ولی در این پژوهش به همین مقدار بسنده می‌کنیم؛ زیرا فرهنگ و مدیریت جهادی از منظر امام و سایر بزرگان و نخبگان سیاسی، همچنین مسئله توسعه کشور بسیار گسترده است و باید در ادامه به آن‌ها نیز اشاراتی داشته باشیم.

زنان شایسته نیز نقش اساسی در مدیریت جهادی دارند. همان طور که گروهی از زنان در قرآن برای تحقق کلمه الله و ظهور و مشیت ربوبی انتخاب و معرفی شدند «یا مریم ان الله اصفاک و ظهرك و اصطفاک علی نساء العالمین» (آل عمران: ۴۲). ظهور شخصیت زن در جایگاه اصلی و انجام رسالت‌های سنگین و مسئولیت‌های الهی و انسانی او و نحوه راهیابی به کمال واقعی‌اش اقتضا می‌کند تا در تحقق امر مدیریت جهادی سهم بسزایی بر دوش داشته باشد، و از محوری‌ترین مؤلفه‌ها در ترویج فرهنگ جهادی محسوب شود؛ از این رو، تبیین مقام و منزلت زن از یک سو و موقعیت فردی و جمعی او از سوی دیگر و نیز نقش مؤثر و جهت‌دار وی در جامعه بر اساس رهیافت براهین عرفانی و قرآنی، امری ضروری و حیاتی است. نگاه انقلاب اسلامی به زنان نگاه انسان مدارانه و در راستای ظاهر کردن آمادگی‌های فطری و ذاتی آن‌ها بوده است. این انقلاب نشان داد که می‌توان از جامعه زنان خواست که شأن و جایگاه انسانی و آرمانی خود را بپذیرند. فقط کافی است که در آن‌ها انگیزه‌های کمال جویی و زمینه‌های آن را پدید آورد (هدایتی، ۱۳۸۱: ۹۱). نقش زنان ایرانی در فرهنگ و مدیریت جهادی کمتر از مردان نبوده است و جایگاه واقعی خود را در اندیشه و فرهنگ جهادی مطرح شده توسط اما راحل تثبیت کرده‌اند.

پاسخ سؤال پنجم آن چیزی است که نحوه مدیریت شهید رجایی و همکارانش را در برمی‌گیرد و طرح آن در این موقعیت ضروری به نظر می‌رسد.

مدیریت شهید رجایی تا چه میزانی نسبت به توسعه کشور مثمر ثمر بوده است؟

۳-۶. شهید محمد علی رجایی

یکی از کسانی که در جریان انقلاب اسلامی و در مدیریت کلان کشور نقش بسزایی داشت

شهید محمد علی رجایی بود. در بسیاری از کتب، نوشته‌ها و نقل‌ها از خصوصیات بارز و انقلابی ایشان زیاد شنیده‌ایم در ادامه این پژوهش ابتدا خلاصه‌ای از زندگینامه ایشان سپس ویژگی‌های مدیریتی وی را برمی‌شماریم.

شهید گرانقدر محمدعلی رجایی در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در خانواده‌ای متدین در شهرستان قزوین چشم به جهان گشود. دوران نوجوانی و جوانی شهید رجایی آکنده از نکات جالب است. به رغم آنکه محیط رشد وی یک محیط مذهبی بود؛ اما در میان هم سن و سال‌های او رفتار ناپسند شیوع فراوان داشت و محمدعلی جدا از آنکه در هیچ یک از اعمال و رفتار ناپسند هم‌سالان خود مشارکت نکرد؛ بلکه تلاش کرد با فراهم کردن وسایل ورزش باستانی، توجه آن‌ها را به ورزش معطوف کند. سختی معیشتی که خانواده به شدت با آن درگیر بود باعث شد برادر بزرگ شهید رجایی به تهران عزیمت کند و برادر کوچک و مادر خود را در قزوین نگه دارد. در سال ۱۳۲۶ که محمدعلی چهارده ساله بود تصمیم گرفت برای ادامه کار در بازار به تهران عزیمت کند. او با مادرش به تهران آمد و در منزلی که برادرش اجاره کرده بود ساکن شد. پس از استقرار با کمک و راهنمایی برادرش به شاگردی در بازار تهران پرداخت. ابتدا در یک مغازه آهن فروشی و سپس بلورفروشی کار می‌کرد و با درآمدی که داشت به همراه مادرش گذران زندگی می‌کرد. وی همزمان با کار در بازار به ادامه تحصیلات خود که به طور موقت رها کرده بود پرداخت (پایگاه حوزه، ۱۳۸۵، منابع اینترنتی)؛ همین نحوه زندگی و سختی شرایط از شهید رجایی یک شخصیت انقلابی و نظامند ساخت. این خصوصیات باعث شد هر جا از شهید رجایی سخن به میان آید، سخت کوشی، ایثار، نظم و از خودگذشتگی شهید رجایی مطرح شود. شهید رجایی در این ایام با مشورت برادر و یکی از نزدیکان خود، تصمیم گرفت وارد نیروی هوایی شود. چون با مدرک ششم ابتدایی می‌توانست به صورت پیمانی به استخدام نیروی هوایی درآید. او از این رهگذر می‌توانست با حقوقی که دریافت می‌کرد هم تغییری در سطح زندگی خود و مادرش ایجاد کند و هم این فرصت را می‌یافت که در این دوران ۵ ساله به صورت شبانه به تحصیلات خود ادامه دهد و در آخرین سال خدمت پیمانی به دریافت دیپلم ریاضی دبیرستان آذر نائل شود (پایگاه حوزه، ۱۳۸۵، منابع اینترنتی).

الف) الگوی مدیریتی شهید رجایی

مدیریت، نحوه نگرش و رفتار شهید رجایی در زمان تصدی پست‌های متفاوتی که داشت،

بسیار برجسته و قابل تأمل است. بسیاری از کسانی که با ایشان کار می‌کردند در توصیف او تجسم عینی عدالت را مشاهده کرده‌اند و ابراز می‌دارند که تحت هیچ شرایطی عدالت انسانی و تقوای اسلامی‌اش را فدای نیازها و خواسته‌های مشروع بستگان، دوستان و نزدیکان خود نمی‌کرد. در مواجهه با بیت المال بسیار حساسیت به خرج می‌داد، صرفه جویی و استفاده بهینه را به همه سفارش می‌کرد. در برخوردهای فردی و اجتماعی حتی زمان خستگی، نگاهی پر فروغ و امیدوارکننده داشت. در کار خستگی ناپذیر بود و حتی روزهای تعطیل، یا در حال بازدید از مناطق جنگی بود و یا در تهران، جلسات فوق العاده برای بررسی امور برگزار می‌کرد. بیش از هر چیز به دنبال رفع اشکالات بود. در تصمیمات ابتکار به خرج می‌داد و قاطع عمل می‌کرد. از هرگونه تردید، شک و دودلی پرهیز می‌کرد؛ چون وسواس و تأخیر در تصمیم‌گیری را برای انقلاب و جامعه مایوس کننده می‌دانست (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۱).

روحیه انقلابی، نظامند و جهادی شهید رجایی، باعث شد هنگامی که به نخست‌وزیری منصوب شد حقوق خود و اعضای دولت حتی معاونین وزارتخانه‌ها را کاهش دهد و به پرداخت‌های کلان و ناهماهنگ زمان طاغوت پایان داد. به شدت از بیت المال محافظت می‌کرد و سعی می‌کرد هزینه‌های اضافی را حذف و هزینه‌های ضروری را کاهش دهد. ساده زیستی و مردمی بودن را در کارنامه خود داشت که برگرفته از مدیریت جهادی و ویژگی‌های شخصیتی آن بزرگوار بود (احمدزاده ۱۳۹۶، ج ۱: ۱۹۳). شهید رجایی به نظم و تشکیلاتی بودن اعتقاد داشت و بیان می‌کرد که ضایعات نهادها، ادارات و ارگان‌ها به علت نداشتن تشکیلات صحیح و منظم است. بی‌سر و سامانی، دوباره کاری، خرابی‌ها، درگیری‌ها و عدم موفقیت در اجرای تصمیمات را نوعی بی‌نظمی و عدم قبول یک تشکیلات منسجمی دانست (همان: ۱۸۷). در صرف بودجه با حساسیت رفتار می‌کرد؛ چون نگران بود که اگر با صلاحدید خود آن را صرف کند در قیامت مورد مواخذه قرار گیرد؛ بنا بر این، تخصیص معتقد بود، اعتبارات باید با بررسی و آگاهی کامل از منابع و هزینه‌ها انجام پذیرد (همان: ۱۸۵). شهید رجایی، امام راحل را به عنوان یک چهره محبت آمیز و تسلی دهنده الگوی رفتار خویش قرار می‌داد و معتقد بود در اوج ناراحتی خدمت امام بودن و از ایشان جواب سلام شنیدن همه گرفتاری‌ها و سختی‌ها را بر من آسان می‌کند (همان، ج ۴: ۱۵۴). ایشان نه تنها در برخورد با بیت المال و نحوه مصرف هزینه‌ها با دقت هرچه تمام‌تر ایفای نقش می‌کرد؛

بلکه در اقتصاد خانواده نیز محطاطانه عمل می‌کرد. در اداره امور منزل با تدبیر عمل می‌کرد. انسان بسیار قانعی بود و سعی می‌کرد برای اموری که چندان ضرورت ندارد خود را به در دسر نیندازد و در حد امکان وسائل رفاهی خانواده را فراهم کند (همان، ج ۵: ۲۳۳).

ب) ویژگی‌های مدیریت جهادی شهید رجایی

برای ویژگی‌های مدیریتی و شخصیت شهید رجایی شاخص‌هایی ذکر کرده‌اند که در ادامه بحث آن‌ها را بررسی می‌کنیم. علاوه بر معیارهایی که قبلاً به آن‌ها اشاره کردیم، شهید رجایی را اهل مشورت می‌دانستند خصوصاً در مسائل اقتصادی و این در حالی است که خود از لحاظ فرهنگی و فکری تقریباً غنی بود؛ ولی هیچگاه خود را بی‌نیاز از مشورت با دیگران احساس نمی‌کرد. مشورت مختص زمان ریاست جمهوری ایشان نبود؛ بلکه در زمان نخست‌وزیری نیز از نظر دیگران بهره‌مند می‌شد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، منابع اینترنتی). از دیگر ویژگی‌های شهید رجایی توجه به محرومان و مستضعفین بود که به گواه دوستان و نزدیکان همیشه به آن پایبند بود. تعیین حقوق برای سالمندان و از کار افتادگان در روستاها گواه این مدعاست (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، منابع اینترنتی). جوان‌گرایی از ویژگی‌های شهید رجایی بود. سعی داشتند در عرصه مدیریتی کشور، جوانان را دخیل کنند؛ علت این امر را وجود انرژی مضاعف در جوانان می‌دانست. می‌گفت: درست است افرادی دارای سابقه طولانی هستند؛ ولی آنان در مدت خدمتشان هرچه داشتند به معرض عمل گذاشتند و ممکن است چیز جدیدی برای اجرا نداشته باشند؛ اما جوانان با خلاقیت بیشتری می‌توانند میدان داری کنند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، منابع اینترنتی).

آنچه نسبت به شهید رجایی ذکر شد ویژگی‌های یک مدیر توانمند، ساده زیست، پرکار، نظام‌مند، جوان‌گرا و شخصیتی که همه فکر و ذکرش خدمت به محرومان و مستضعفین بود. همه این خصوصیات برگرفته از اعتقاد و ایمان عمیق ایشان به دین اسلام و رهبری امام راحل که نماد واقعی یک مدیر جهادی که در جهت توسعه کشور و برون رفت از معضلات و مشکلات کشور گام بر می‌داشت، بود. اگر نبود آن ایمان سرشار او هرگز این گونه فعالیت‌ها مورد توجه و استقبال عمومی قرار نمی‌گرفت. همین پایبندی باعث شد که هرکس یادی از آن شهید می‌کند بسیاری از توانمندی‌های او را باز گو کند.

پس از بررسی افکار و اندیشه امام راحل و شهید رجایی نوبت به مدیریت جهادی مد نظر رهبری معظم در چارچوب سؤال ششم می‌رسد که به شرح زیر می‌آید:

مقام معظم رهبری با طرح مدیریت جهادی چه شاخصه‌هایی را برای توسعه کشور بیان کرده‌اند؟

۴-۶. نقش و جایگاه مدیریت جهادی از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری نیز همچون امام راحل بر تفکر و اندیشه جهادی پافشاری و تلاش می‌کردند تا این فرهنگ را در میان جامعه زنده نگه دارند؛ زیرا هر گونه غفلت از این فرهنگ باعث جایگزین شدن نگرش‌های غربی در میان مدیران می‌شد. توسعه صنعتی و تکنولوژیک غرب می‌توانست نظر نخبگان سیاسی را به خود جلب کند و آنان را مجذوب خود کند؛ در حالی که مبانی توسعه غرب، مادی و بر اساس منافع پایه گذاری شده است؛ ولی مبنای مدیریت جهادی، اسلام است. در مدیریت جهادی اولویت مستضعفین هستند بر خلاف غرب که سرمایه داران بیشتر از دیگران منتفع می‌شوند.

رهبر انقلاب تاکید داشتند که تفکر جهادی می‌تواند گره گشای مشکلاتی باشد که در مدیریت کشور به عنوان بن بست از آن‌ها یاد می‌شود. و این در حالی است که تفکر جهادی در کشور راهکار برون رفت از تنگناهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (فرهمندینا، ۱۳۹۶: ۲۷۰).

ایشان تفکر جهادی را در گذشته به تفکر بسیجی یا تفکر انقلابی تعبیر می‌کردند و آن را یادگار دوران دفاع مقدس می‌دانند که تهیه و تجهیز سرمایه‌های انسانی، مادی و برنامه‌ریزی، فعالیت‌ها و اقدامات همه از آموزه‌های اصیل دینی و اسلامی نشأت گرفته است (همان).

فساد از موارد تأثیرگذار در همه جوامع بوده و دامنگیر بسیاری از دولت‌هاست. مدیران و مسئولان در ایجاد فساد نقش اساسی دارند. در همین رابطه، رهبری معظم می‌فرمایند: امروز گرفتاری‌های عمده ملت‌ها در دنیا، گرفتاری ناشی از مدیران و دست‌های گرداننده جامعه است، آن‌ها فاسدند که فساد آن‌ها، ریشه همه ارزش‌ها و اصالت‌ها را می‌کند و از بین می‌برد. آن‌ها فاسدند که ملت‌ها ذلیل و برده و نوکر صفت بار می‌آیند. آن‌ها فاسدند که قدرت‌های شیطانی بر

ملت‌هایشان تسلط پیدا می‌کنند. آن‌ها فاسدند و بی‌بند و بارند که در متن جوامعشان ایمان به کلی رخت بر می‌بندد (احمدزاده، ۱۳۹۶، ج ۱: ۷۴).

اگر مدیران جامعه فاسد باشند دامنه فساد آنان به جامعه کشیده می‌شود و مشکلات عدیده‌ای برای مردم به وجود می‌آورد؛ به همین دلیل مدیریت جهادی اهمیت خود را نشان می‌دهد که در تربیت و گزینش مدیران اصل ایمان و شایستگی باید لحاظ شود و در انتصاب و انتخاب آن‌ها دقت لازم و مکفی به عمل آید. سازمان‌های جهادی، موجب تربیت انسان‌ها و عناصر کار آمد و فهیم می‌شوند. سازمان‌های جهادی در اجتماع، مفهوم پیدا می‌کنند و هر یک از اعضای سازمان به تنهایی نمی‌توانند موفق عمل کنند. مقام معظم رهبری ضرورت تشکیلاتی بودن سازمان را این گونه بیان می‌کنند: وقتی تشکیلات هست، وقتی نظم هست، انسان‌ها در درون تشکیلات تربیت می‌شوند و عنصرهای کارآمد و فهیم به وجود می‌آیند. در حالت گسیختگی سازمانی این خصوصیت به دست نخواهد آمد (همان: ۷۵).

ایشان یکی از مهمترین هدف تشکیل سازمان جهادی را اقامه عدل و اجرای عدالت الهی می‌دانند و می‌فرمایند: امروز نظام اسلامی همه کارگزاران حکومت از پایین تا بالا باید همتشان این باشد که دین خدا را اقامه کنند، عدالت را احیا کنند، تبعیض در اجرای مقررات الهی را از میان بردارند، بیشترین توجه‌شان به طبقه فقیر و محروم و مستضعف باشد و شعار تقوی را شعار شخصی و عمومی خودشان قرار دهند (همان: ۸۲).

سعادت و تلاش برای رسیدن جامعه به کمال، هدف و آرمان هر سازمانی است. سازمان جهادی بیشتر از سایر سازمان‌ها باید در این زمینه احساس مسئولیت کند. سازمانی که در عرصه فنی و مهندسی مشغول به فعالیت است می‌تواند برنامه‌های خود را طوری تنظیم کند تا با برآورده کردن صحیح و به موقع خواسته‌های مراجعانش، آن‌ها را یاری دهد و با سهولت بیشتری به سوی سعادت حرکت کند (همان: ۸۹).

تمام انبیا و ائمه معصوم علیهم السلام هدف از رسالتشان، سعادت و به کمال رساندن نوع بشر بوده است. در این میان نقش پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد (ص) از همه پررنگتر بوده و ائمه معصوم نیز در تداوم راه پیامبر برای متقاعد کردن مسلمانان برای حرکت در جهت سعادت و کمال بوده‌اند.

از نگاه مقام معظم رهبری آنچه انقلاب اسلامی به مردم ایران هدیه کرد فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه میادین، صحنه و عرصه‌ها ارزش اجرایی داشت و در زمینه‌های زیر بنایی، کشاورزی و دامداری و امثال آن از همان اوایل انقلاب متأثر از فرهنگ جهادی وارد شد. ایشان علت ضرورت فرهنگ جهادی را در جوشندگی، تحرک و پیشرفت می‌داند و معتقد است که مانع ایستایی و بی‌حرکی دستگاه‌های اجرایی می‌شود (رستمی، ۱۳۹۴: ۴۱).

دستگاه‌هایی که در دوران آغاز انقلاب تشکیل شدند نظیر سپاه، جهاد سازندگی و بسیج همگی را متأثر از فرهنگ جهادی و روحیه جهادی قلمداد می‌کند. که با نبود سازماندهی منسجم، حرکت و پیشرفت و جهش لازم را از انقلاب کسب کردند و تأثیرشان در محیط بیرون قابل رویت بود... نمونه بارز آن را تلاش و تحرک مردم در دفاع مقدس ذکر می‌کنند. جهاد سازندگی نیز در میدان کار و سازندگی با استفاده از همان روحیه جهادی وارد عمل شد (همان: ۴۲).

می‌توان گفت فرهنگ و روحیه جهادی هم در میدان دفاع مقدس و هم در میدان کار و سازندگی با سرعت و بدون وقفه در حال حرکت بود و تحت هیچ شرایطی از خود، خستگی و خمودی نشان نداده است. با اتمام جنگ نیز همان شور و نشاط و آن ایثار و از خود گذشتگی و معنویت همچنان در دل جوانان پاک و مومن شعله ور بود. رهبری معظم معتقدند آنچه باعث می‌شود ایران سر خود را بالا بگیرد و در میان ملت‌های جهان شان و منزلتی داشته باشد همان جهاد، روحیه و فرهنگ جهادی بوده است و با اشاره به حدیث «إن الجهاد باب من ابواب الجنة» معتقدند درهای بهشت با وجود جهاد به روی انسان‌ها گشوده خواهد شد (همان: ۴۵).

جهاد را در همه میادین و زمینه‌ها به عنوان یک ضرورت مطرح می‌کنند؛ ولی آن را در حوزه علم بسیار حائز اهمیت می‌دانند؛ زیرا زیر بنای توسعه در همه عرصه‌ها وابسته به پیشرفت علمی است. پیشرفت علمی توسعه فرهنگی را سبب می‌شود و متعاقب توسعه فرهنگی، پیشرفت در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز میسر خواهد شد؛ اما رهبری معظم هر علمی را جهادی تلقی نمی‌کنند و پیشرفتی را جهادی می‌دانند که سه شرط خودباوری، امید به موفقیت و حرکت جهادگونه را با هم داشته باشد. می‌فرمایند: پیشرفت علمی باید نگاه بومی و با تکیه به فرهنگ خودمان یعنی اسلام و موارث ملی باشد و با توجه به نیازهای کشور صورت پذیرد. در حوزه‌های جهادی تنبلی، سستی و تن‌آسایی همچنین واگذار کردن کار به دیگری و شانه خالی

کردن جایز نیست. جهاد فقط مختص میادین جنگ نیست؛ بلکه در حوزه علم هم باید حرکت جهادی باشد (همان: ۱۳۵).

در رابطه با فرهنگ و عمل جهادی، حوزه‌های علمیه را به عنوان پیش قدم معرفی می‌کند که علاوه بر دانشگاه‌ها حوزه‌های علمیه باید بیشتر از دیگران احساس مسئولیت کنند و در رفتار جهادی نسبت به دیگران پیشقدم باشند. می‌فرماید: حوزه‌های علمیه باید در صف اول حرکت عظیم جامعه قرار داشته باشند. مراجع عظام را چه در زمان امام و پس از آن پیشگام معرفی می‌کند و اشاراتی به مراجع تقلید مرحوم آیت‌الله العظمی گلپایگانی، آیت‌الله نجفی و آیت‌الله اراکی می‌کنند که هرگاه حادثه مهمی در جامعه اتفاق می‌افتاد آنان در صف اول، و مقدم بر دیگران بودند. آن‌ها خود را مقید به عکس العمل در قبال مسائل مملکت می‌دانستند. آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی نجفی هنگام رأی گیری از اولین کسانی بودند که به حوزه‌های اخذ رأی مراجعه می‌کردند؛ در حالی که می‌توانستند رأی دادن را به لحظات آخر موکول کنند (همان: ۱۴۵).

در مورد جهاد، فرهنگ و مدیریت جهادی مقام معظم رهبری مباحث گسترده‌ای بیان داشته‌اند. حجم مطالب مطروحه در کتب و مقالات بسیار زیاد و متنوع بوده است. ما در این تحقیق به دلیل محدودیت نتوانستیم همه یا بخش عظیمی از آن‌ها را ذکر کنیم و به همین مقدار بسنده کردیم.

در مجموع می‌توان گفت، با مراجعه به سخنان و فرمایشات معظم له به اهمیت و ضرورت مدیریت، فرهنگ و حرکت جهادی پی‌بردیم و امیدواریم با این اشاراتی که به موضوعات مطروحه کردیم، بتوانیم پژوهشگران و خوانندگان را در جهت بررسی بیشتر و مراجعه به کتب دسته اول در این زمینه ترغیب کرده باشیم.

نتیجه گیری

در این پژوهش مدیریت جهادی راه و طریق مؤثر برای غلبه بر مشکلات اجرایی کنونی کشور معرفی شد. در ایران از پایان جنگ تحمیلی تئوری‌ها و نظریه‌هایی برای توسعه کشور مورد عمل و اجرا قرار گرفته که مبانی نظری آن‌ها از غرب گرفته شده بود که به طور کامل با مبانی ارزشی،

دینی و فرهنگی جامعه تناسب نداشت. رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی که ایجاد جامعه عادلانه و برخورداری همه اقشار از زندگی همراه با شأن انسانی و دینی است، نیازمند کار جدی و گسترده است. مدیریت جهادی باید به عنوان جایگزین این تئوری‌های غربی قرار گیرد. این شیوه مدیریتی کار و تلاش با نیت الهی را با علم، تخصص و درایت توأم می‌کند و هدفش خدمت به مردم به ویژه محرومان و مستضعفان است.

در پاسخ به این سؤال که برگزیدگان سیاسی دهه اول انقلاب چگونه با بکارگیری مدیریت جهادی برای پیشرفت کشور عمل می‌کردند بیان شد که از خودگذشتگی و فداکاری از مؤلفه‌های فرهنگی اندیشه جهادی نخبگان سیاسی دهه نخست انقلاب بود. در اینجا دیگر سودانگاری مادی جایگاهی نداشت و سعی بلیغ به عمل آمد تا کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های رژیم سابق جبران شود. مدیریت جهادی با اقتباس از فرهنگ دینی و الگو قرار دادن عملکرد اجرایی دوران حضرت رسول (ص) و امام علی (ع) به عنوان سرمشق موفق کشورداری انرژی لازم را برای تحول ایجاد کرد.

امام خمینی (ره) در ترویج اندیشه مدیریت جهادی، تربیت و آموزش نیروهای مخلص وفادار به اسلام، انقلابی و فداکار را مهم می‌شمردند. از نظر ایشان، سعی بلیغ و کوشش برای آبادانی و سازندگی کشور با جهاد به معنی مبارزه با دشمنان خدا در جبهه جنگ، اهمیت برابر و همسان دارد. ایشان سه مؤلفه مهم عشق به اسلام، عشق به ولایت و عشق به خدمت‌گزاری صمیمانه به مردم و برطرف ساختن مسائل و نیازمندی‌های آنان را عبادت در راه خدا می‌دانستند. مردم‌داری و خدمت به مستضعفان و مستمندان را واجد بالاترین خیرات و حسنات نزد خداوند به حساب می‌آوردند و خویش‌داری، درستکاری و صبر و تحمل در مبارزه برای عقیده را شرط هدایت مردم تلقی کردند.

شهید رجایی الگوی عملی از بکارگیری اندیشه مدیریت جهادی بود. ایثار، فداکاری، عدالت جویی، پرهیز از خویشاوندگرایی در انجام امور اجرایی از ویژگی‌های برجسته دوران کوتاه مدیریت ایشان بود. تأکید بر ساده زیستی، مردم‌داری، جلوگیری از هزینه‌های غیرضروری و وسواس در هزینه‌های بیت المال سرلوحه عمل ایشان بود. از نکات مهم و برجسته اخلاق اجرایی ایشان نظم

و انضباط و تأکید بر کار تشکیلاتی و بهره‌گیری از مشورت متخصصان و کارشناسان و استفاده از نیروی جوانان بود. همه همت و کوشش ایشان خدمت‌گزاری به مستضعان و محرومان بود و همه این‌ها در کنار اعتقاد راستین و خالصانه به اسلام و ولایت‌پذیری و اطاعت کامل از حضرت امام بود.

در خصوص نقش رهبر معظم انقلاب در گسترش اندیشه جهادی ایشان هم در عرصه تئوریک و هم در حوزه عمل بر اشاعه و ترویج مدیریت جهادی تأکید وافر دارند. بومی‌سازی مفاهیم و اصطلاحاتی که در حوزه تحول اجتماعی و اقتصادی بکار می‌رود مورد اصرار ایشان است و در همین راستا اصطلاح "پیشرفت" را بر "توسعه" که مفهومی غربی با زیربنای نظری غیربومی است ترجیح می‌دهند. ایشان با رد وجود بن‌بست در تحول کشور بر رویکرد درون‌گرا، بومی و داخلی نظر دارند و معتقدند که راه حل مشکلات و مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با توجه به نیروهای داخل کشور و استفاده از ظرفیت‌های عظیم درونی امکان‌پذیر است. ایشان با برقراری ارتباط نظری میان تفکر جهادی با تفکر بسیجی انقلابی که فرآورده دوران دفاع مقدس است، معتقدند که می‌توان همانند دوران دفاع مقدس که سرشار از روحیه جهادی مخلصانه بود به تجهیز و برنامه‌ریزی در جهت رفع نیازمندی‌های کنونی کشور بهره‌برد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، برنامه بلندمدت ایشان برای پی‌ریزی تمدن و جامعه جدید اسلامی است.

فهرست منابع

- ابراهیمی، محمدحسین، (۱۳۷۹)، مدیریت اسلامی، قم: دفتر تبلیقات اسلامی.
- احمدزاده، مرتضی، (۱۳۹۶)، درآمدی بر مدیریت جهادی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۷۶)، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران: قومس.
- باتامور، تی بی، (۱۳۷۷)، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: شیرازه.
- بخشی، علی آقا، (۱۳۸۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، حیات عارفانه امام علی (ع)، قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۵)، مبانی اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلام، انتشارات زوار.
- خارکوهی، غلامرضا، (۱۳۷۵)، امام خمینی و جهاد سازندگی، قم: مؤسسه تنظیم نشر آثار.
- دادوند، حجت و همکاران، (۱۳۹۵)، تبیین و کارکرد جهاد در فرآیند انقلاب اسلامی، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان.
- رستمی، محمد، (۱۳۹۴)، زندگی به سبک جهادی، قم: نشر شهید کاظمی.
- رشید، غلامعلی و ادریسیان، (۱۳۷۹)، «تبیین آموزه‌های جهادی قرآن مؤثر بر روحیه جهادی نیروهای مسلح»، فصلنامه مطالعات دفاع استراتژیک.
- رضاقلی، علی، (۱۳۹۴)، جامعه شناسی نخبه‌کشی، تهران: نشر نی.
- روحانی، فؤاد، (۱۳۸۹)، افلاطون و جمهور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سریع القلم، محمود، (۱۳۹۱)، عقلانی و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____، (۱۳۹۳)، عقل و توسعه یافتگی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شعبانی، سمیه و تاج آبادی، (۱۳۸۶)، محورها و ویژگی‌های فرهنگ جهادی از دیدگاه امام خمینی، همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
- طاهری، مازیار، (۱۳۸۷)، «نخبه و نخبه‌گرایی»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۷۹.

- عظیمی، سید علی اکبر، (۱۳۸۴)، «آینده پژوهی از نگاه اسلام و پیش نیاز مدیریت جهادی»، مجموعه مقالات همایش فرهنگ و مدیریت جهادی.
- علوم، پرویز، (۱۳۹۱)، «رتباطات سیاسی/ارتباط، توسعه و مشارکت سیاسی»، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین.
- فرهمندینا، حوریه و مختاریان پور، (۱۳۹۶)، الگوی شایستگی مدیران جهادی بر مبنای بیانات حضرت امام ره و مقام معظم رهبری، نمایش.
- کاوالی، لوچانو، (۱۳۷۶)، «دگرگونی اجتماعی از دیدگاه گائتانومو سک»، ترجمه حسین افشار، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کولیوند، حسن و همکاران، (۱۳۹۳)، «تأثیر فرهنگ و مدیریت جهادی بر توسعه اقتصادی».
- محمدی مهر، یوسف، (۱۳۸۹)، مدیریت در سیمای شهید رجایی، رشد مدیریت مدرسه.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۸۹)، مروری بر مؤلفه‌های مدیریتی شهید رجایی، منابع اینترنتی.
- مطهری نیا، مهدی، (۱۳۸۳)، «نخبگان، توسعه سیاسی و ارتقای امنیت ملی»، فصلنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- ملکی، بهنام، (۱۳۸۳)، «نخبگان و توسعه»، اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۴)، امام خمینی و جهاد سازندگی، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی ره.
- ____، (۱۳۶۸)، صحیفه نور، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی ره.
- هدایتی، ابوالفضل، (۱۳۸۱)، زن در نگاه و نهضت امام خمینی، تهران: فرهنگ جهاد.
- پایگاه اینترنتی
- پایگاه حوزه، (۱۳۸۵)، زندگی نامه شهید رجایی، منابع اینترنتی.